



رئیس شورای هماهنگی انجمن پزشکان عمومی ایران مطرح کرد:

شاخص های بهداشت ضامن موفقیت نظام سلامت



دانش پور - اگر چه در کشور ما اجرای طرح تحول نظام سلامت برای اولین بار در بهار ۹۳ تجربه شد اما ایجاد تحول در نظام سلامت سال هاست که در سایر کشورها امر محلی و خطای خود را طی کرده و اکنون به ثبات رسیده است. به همین دلیل هم هستند برخی از کشورهای موفق که می توانند با توجه به ساختار جمعیتی و بهداشتی، الگوی مناسب باشند. به گفته رئیس شورای هماهنگی انجمن پزشکان عمومی ایران نظام سلامت به تمامی عوامل موثر در حفظ یا بازگرداندن سلامت افراد جامعه و چگونگی ارتباط آن ها اطلاق می شود. این عوامل شامل تمام نهادهایی است که وظیفه اولیه آن ها به نوعی با تامین سلامت مردم در ارتباط است علاوه بر این که نظام سلامت مولفه های گوناگونی دارد مانند سیستم تامین هزینه های سلامت و چگونگی ارتباط مالی بین عرضه کنندگان و دریافت کنندگان سلامت، چگونگی ارتباط بین عرضه کنندگان مختلف خدمات سلامت با هم و با نهاد متولی نظام سلامت، قوانین جاری در این حوزه و نوع خدماتی که سیستم سلامت به مردم عرضه می کند از تاثیر گذاری این مولفه ها بر هم است که میزان کارایی سیستم در عرضه خدمات سلامت، که مشخصه های بارز آن چگونگی کیفیت خدمات، میزان دسترسی مردم به خدمات و چگونگی رعایت عدالت نزد عرضه کنندگان و دریافت کنندگان خدمات است، مشخص می شود. دکتر قسمتی زاده ادامه داد: بر اساس این تعریف می توان گفت نظام موفق سلامت نظامی است که بتواند خدمات سلامت را با کیفیت مناسب و به کارگیری بیشترین کارایی سیستم و با بیشترین میزان دسترسی به گونه ای عادلانه برای مردم فراهم کند.

اما این سوال مطرح است که دنیا چه مدل هایی را برای نظام سلامت تجربه کرده است؟ رئیس شورای هماهنگی انجمن پزشکان عمومی ایران در پاسخ به این سوال گفت: آنچه مسلم است سلامت و تامین آن از مسائل مهم هر جامعه ای از دیرباز بوده است اما در زمان قدیم در این مورد نظام از پیش بر نامه ریزی شده ای وجود نداشت. در آن زمان ها مسئله اصلی در مان بیماری ها بود. اما با پیشرفت علم و آشکار شدن و افزایش توانایی انسان در کنترل و درمان بیماری ها و همچنین نقش پیشگیری در حفظ و ارتقای سلامت افراد جامعه از سویی و افزایش انتظارات مردم بر نامه ریزی مورد توجه قرار گرفت چرا که فرد بیمار خود به پزشک مراجعه می کند اما در بحث پیشگیری از بروز و تشدید بیماری ها این نهاد های عرضه کننده خدمات هستند که به طور فعال وارد عرصه می شوند. از سوی دیگر با رشد علم و نوشتن سریع تکنولوژی پزشکی از یک سو و بالا رفتن هزینه های درمان از سوی دیگر و گسترش جنبه های مرتبط با سلامت پیچیدگی اجرای نظام سلامت بیشتر شد. تاثیر عوامل بومی بر این نظام نیز به پیچیدگی های آن افزود. قسمتی زاده ادامه داد: به همین دلیل دیگر نمی توان چون چند سده قبل ارتباطات نظام سلامت را به ارتباط پزشک و بیمار خلاصه کرد. این پیچیدگی ها سبب شده که دولت ها در سامان دادن این نظام احساس مسئولیت کنند و برای نظم دادن به آن برای هر یک از اجزای این نظام وظیفه ای در نظر گیرند و مناسبات بین اجزای مختلف را مهندسی کنند. وی خاطر نشان کرد: بر این اساس باید گفت مدلی در جهان موفق بوده است که در وهله نخست ارزیابی صحیحی از وضعیت موجود داشته باشد و سپس با تدوین و تنظیم قوانین و مقررات با به کارگیری صحیح منابع خود یعنی منابع انسانی، مالی و تجهیزاتی سیستم عرضه خدمات را به گونه ای طراحی کند که اهداف چهار گانه نظام سلامت تامین شود، اهدافی چون حفظ و ارتقای سلامت، کاهش پرداختی های مردم در ازای دریافت خدمات، واکنش مناسب نظام سلامت به انتظارات

مردم و کاهش نابرابری هم در دسترسی به خدمات و هم در پرداخت هزینه های سلامت. وی درباره ضرورت مداخله دولت در این بخش توضیح داد: یکی از ویژگی هایی که در این مورد بیش از همه در نظام سلامت به چشم می آید شیوه دخالت دولت در عرضه خدمات است که می تواند خود عرضه را بر عهده بگیرد یا پای خود را کنار بکشد و عرضه خدمات را به بخش غیر دولتی واگذار کند که بخش دوم این موضوع می تواند با نظارت موثر و یا بدون نظارت انجام شود و بخش سوم نیز ترکیب دو شیوه است یعنی هم خود عرضه کند و هم بخش خصوصی، وی افزود: تجربیات زیادی که در نقاط مختلف دنیا حاصل شده است ثابت کرده اند سایر بخش های عرضه خدمات در حوزه سلامت هر چه دولت پای خود را از عرضه مستقیم خدمات به عقب بکشد و کار را به بخش خصوصی واگذار کند و خود به جای مشغول شدن در عرضه خدمات به نظارت بر چگونگی اقدامات بپردازد موثر تر خواهد بود.

وی ویژگی دیگری نظام سلامت موفق را نوع دسترسی به خدمات بر شمرد و گفت: بر اساس سیستم مبتنی بر سطح بندی خدمات مردم باید اجازه دسترسی به تمامی خدمات را به تشخیص خود به شرط تامین هزینه آن داشته باشند ضمن آن که متولیان نظام سلامت به دلایل گوناگون از جمله محدود بودن منابع نسبت به انتظارات و همچنین وجود فاصله اطلاعاتی بین مردم و عرضه کنندگان خدمات به این نتیجه خواهند رسید که ابتدا خدمات سلامت را سطح بندی کنند و ثابا دروازه بانی را از سوی خود مردم و کمیل قرار دهند تا میزان سرگردانی مردم در هنگام تصمیم گیری در مورد چگونگی استفاده از خدمات گوناگون و متنوع سلامت کم شود و علاوه بر آن از اتلاف هزینه ها پیشگیری شود.

قسمتی زاده همچنین تاکید کرد: دارا بودن منابع مناسب در ابعاد انسانی، تجهیزاتی و مالی و همچنین پایداری و ثبات در مدت منابع از مهمترین ویژگی های یک نظام موفق سلامت است. وی در پاسخ به این سوال که کدام کشور ها از نظام سلامت برخوردار هستند و علت موفقیت آن ها چه بوده است گفت: نظام موفق سلامت از روی شاخص های بهداشتی آن شناخته می شود، شاخص هایی چون امید به زندگی، میزان مرگ کودکان زیر ۵ سال و... همچنین میزان سهمی که سلامت از بودجه و تولید ناخالص ملی دارد. بر این اساس می توان به کشورهای چون نروژ، استرالیا، هلند، ژاپن، سوئد، کوبا و آمریکا اشاره کرد. آن چه باعث شده تا این کشور ها اکنون به عنوان کشور هایی با نظام سلامت موفق شناخته شوند به موضوعاتی مانند داشتن عزم قوی برای تامین و ارتقای سلامت مردم، تخصیص بودجه کافی به بخش سلامت، شناخت و بر آورد صحیح از وضعیت سلامت کشور و نقاط ضعف و قوت آن و همچنین داشتن استراتژی مناسب و استفاده صحیح از منابع موجود بر می گردد. اما سوال دیگری که در این حوزه مطرح است این است که این نظام های موفق در مورد بخش هایی چون بهداشت، درمان

دارو و بیمه و یا دیگر حوزه ها چگونه و بر مبنای چه برنامه ای عمل می کنند؟ رئیس شورای هماهنگی انجمن پزشکان عمومی ایران در پاسخ به این سؤال دارا بودن صندوق های بزرگ و یکپارچه بیمه را یکی از مهمترین مشخصه های یک نظام سلامت کارآمد عنوان کرد، صندوق هایی که با تجمیع بیشتر منابع شرایط را برای عرضه عادلانه خدمات سلامت پایه فراهم می کنند. وی ادامه داد: از سوی دیگر متولیان نظام سلامت سعی می کنند حوزه عرضه خدمات مجزا کنند تا امکان نظارت صحیح تر بر عرضه هزینه کرد سلامت فراهم شود. وی با اشاره به این که در حوزه سلامت همیشه انتظارات مردم در تامین سلامتشان بسیار بیشتر از منابع است خاطر نشان کرد: از این رو متولیان سلامت همیشه باید بین خدمات مختلفی که نظام عرضه می کند و بیمه ها پوشش می دهند اهمیت الهم کند بنابر این لازم است ابتدا با بررسی وضعیت موجود نظام سلامت برای آن استراتژی و نقشه راهی ترسیم کرد و برای دنبال کردن نقشه راه، اجزای گوناگون و منابع مختلف انسانی و غیر انسانی را بر اساس همان نقشه به کار برد تا به اهداف استراتژیک دست یافت. به همین دلیل اصولا از روش هایی استفاده خواهد شد که فیلترینگ خواسته ها در آن انجام و از اتلاف منابع جلوگیری شود و مردم نیز بتوانند از خدماتی که مستحق دریافت آن هستند برخوردار شوند. از رئیس شورای هماهنگی انجمن پزشکان عمومی ایران می پرسیم بر مبنای این شرایط، اولویت نظام موفق سلامت انتخاب کدام عرصه ها است؟ وی در پاسخ به این سوال با تاکید بر این که اولویت های یک نظام سلامت بر اساس وضعیت هر جامعه فرق می کند گفت: در مورد سلامت یک اصل بدیهی وجود دارد که آن اولویت پیشگیری بر درمان است. مسلما در هر جامعه ای مسئولان آن باید بر روش های پیشگیرانه در بهداشت مثل آموزش بهداشت، بیماریابی، واکسیناسیون و مسائل مرتبط با بهداشت جامعه و همچنین عرضه خدمات در سطح یک درمان یعنی جایی که هنوز بیماری جنبه های پیچیده ای پیدا نکرده و به راحتی در این سطح قابل کنترل است توجه بیشتری کنند تا با پیشگیری از هزینه کردن در سطوح بالاتر خدمات، سلامت بیشتری را به مردم عرضه کند. وی همچنین درباره جایگاه مردم و دولت هادر اجرای نظام های سلامت توضیح داد: در ارتباط با نظام سلامت، مردم به دو گروه استفاده کنندگان از خدمات سلامت و عرضه کنندگان این خدمات تقسیم می شوند. قسمتی زاده ادامه داد: در بهترین حالت باید اجازه داده شود که دسته دوم، خدمات را طبق نقشه راهی که دولت ترسیم می کند در اختیار استفاده کنندگان آن قرار دهد. تجربه در کشور خودمان و یاد سایر کشورهای دنیا ثابت کرده است که هر چه دولت خود را از عرضه مستقیم خدمات به دور نگه دارد هم کیفیت عرضه خدمات بالا می رود و هم خدمات به شکل عادلانه تری به مردم می رسد.

